

آینه پژوهش

سال سی و پنجم، شماره چهارم
مهر و آبان ۱۴۰۳ ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب‌شناسی و
اطلاع‌رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۰۸

۲۰۸

دوماهنامه
آینه پژوهش

مهر و آبان ۱۴۰۳
سال سی و پنجم، شماره چهارم

Ayeneh-ye- Pazhoohesh

Vol.35, No.4 Oct - Nov 2024

A bi-monthly journal exclusively
review & information dissemination

208

dedicated to book critique, book
in the field of Islamic culture

«مُقْبِلِ آنِسْتِ كِه ...» (بازخوانی و تَصْحیحِ بیتی از مُفْرَدَاتِ سَعْدِی) |
گیبون، محمد (ص) و اسلام | چاپ‌نوشت (۱۵) | پاره‌ای از یک تفسیر
ناشناخته معتزلی، احتمالاً از سده چهارم یا پنجم هجری | میهمانان تازی
گوی فرهنگستان ایران | اشعار تازه‌یاب از شاعران دوره قاجار با استناد به
نشریات آن عصر (۱) | فارسیات | رباعیات منسوب به افراد خاندان جوینی
در منابع کهن | ناهیدن (اقتراحی درباره یک واژه دشوار و ناآشنا در
شاهنامه) | یادداشت‌های حاشیه‌متون فارسی و عربی (۲) | خراسانیات
(۱) | نوشتگان (۹) | یادداشت‌های لغوی و ادبی (۱) | طومار (۷) | درنگی بر
جدیدترین ترجمه انگلیسی کتاب شریف نهج البلاغه | حدود مفروض،
حدود ممکن، حدود مقبول | آینه‌های شکسته (۵) | بررسی فهرست
کتاب‌های فارسی چاپ سربی کتابخانه کنگره آمریکا | میرلوحی سبزواری
و جعل دو کتاب انیس المؤمنین و کفایة البرایا | شرح و تصحیح کلیله و
دمنه در بوتۀ نقد | **نکته، حاشیه، یادداشت**

پیوست آینه پژوهش | کلام شاهانه / ملوک‌الکلام، کتابی چنددانشی از عصر میانی قاجار

جویناچه‌نیش | رسول جعفریان |
مجید حبیبی | مرتضی کریمی‌نیا |
سیدمحمدحسین میرفتوحی |
رفیقه قراهنسا | احمد مهدوی
دامغانی | ترجمه منوچهر روزبه
فرد | علی رحیمی واریانی | سجاد
آینلو | سیداحمدرضا قائم‌مقامی |
امید حسینی‌نژاد | میلاد بیگلری
اریا طیبی | سیدعلی کاشفی
رازی | تهران | علی رادا | حبیب
خاندان | سیدعلی کاشفی
خاندان | حیدر عیوضی | سیده
طوبه | امیررضا میرزایی | علی عادل
زاده | امیررضا میرزایی | حبیب
کاشفی | قرا | حبیب رازی | تهران

پرتال
دوماهنامه
آینه پژوهش



Jap.isca.ac.ir

حدود مفروض، حدود ممکن، حدود مقبول

سیدعلی کاشفی خوانساری

| ۳۹۹_۴۰۸ |

۳۹۹

آبینه پژوهش | ۲۰۸
سال ۳۵ | شماره ۴
مهر و آبان ۱۴۰۳

چکیده: مطالعات تاریخ چاپ در ایران با دشواری‌هایی و فهارس و تحلیل‌های موجود با کاستی‌ها و ابهاماتی روبروست. در کتاب نخستینه چاپ‌های ایران به خوبی حدود و گستره پژوهش ترسیم شده و در آن محدوده فهرستی جامع، دقیق و تا حد ممکن صحیح ارائه شده و اطلاعات و جزئیاتی فراتر از فهارس قبلی در دسترس قرار گرفته است. با این حال در این فهرست، کتب چاپ سربی ایران به زبان آسوری از قلم افتاده است. در ادامه این مقاله، فهرستی از اطلاعات و تحلیل‌های مفیدی که می‌توانست بر غنا و کاربرد کتاب بیفزاید، ارائه شده است. در پایان مقاله چنین تشریح شده که با اطلاعات موجود دیگر اساساً باور به دو دوره مجزای اول و دوم در رواج چاپ سربی در ایران مقبول نیست.

کلیدواژه‌ها: کتاب، نشر، چاپ، فهرست‌نگاری، کتاب‌شناسی، تاریخ چاپ و نشر، چاپ سربی، صنعت نشر در ایران، قاجاریه.

Presumed Limits, Possible Limits, Accepted Limits

By: Seyyed Ali Kashefi Khansari

Abstract: The study of the history of printing in Iran faces various challenges, and the existing catalogs and analyses are fraught with deficiencies and ambiguities. In the book *First Prints of Iran*, the boundaries and scope of research are effectively outlined, providing a comprehensive, accurate, and as correct as possible catalog within those parameters. Furthermore, it offers information and details surpassing previous catalogs. However, this catalog overlooks Iranian lead-type printed books in the Assyrian language. This article proceeds to present a list of useful information and analyses that could have enriched the book's content and utility. In its conclusion, the article elaborates that, based on the available information, the previously accepted notion of two distinct periods for the introduction and prevalence of lead-type printing in Iran is no longer tenable.

Keywords: Book, Publishing, Printing, Cataloging, Bibliography, History of Printing and Publishing, Lead-Type Printing, Publishing Industry in Iran, Qajar Era.

نخستینه چاپ‌های ایران

(کتاب‌های چاپ سربی دوره اول)

علی بوذری

انتشارات پویانما - ۱۴۰۳

۶۰۶ صفحه

تاریخ کتاب در ایران و تاریخ کتاب‌های فارسی زبان دو مقوله جداگانه اما مرتبط هستند که هر یک بارها و بارها از سوی پژوهشگرانی مورد توجه قرار گرفته‌اند و حاصل این پژوهش‌ها ده‌ها کتاب و مقاله کوچک و بزرگ به قلم ایرانیان و غیر ایرانیان بوده است. اطلاعات و تحلیل‌های مندرج در این آثار در بسیاری موارد مشابه و در موارد اندکی متفاوت و یا حتی مغایر است و اینجاست که کار برای علاقه‌مندان پیچیده و دشوار می‌شود. این ابهام و دشواری زمانی بیشتر می‌شود که مؤلفه‌ها و گزینه‌های دیگری هم در توصیف و تحدید موضوع به مباحث تاریخی از این دست وارد می‌شوند و لازم است قبل از هر بحثی مشخص شود که موضوع و حدود بحث دقیقاً کدام است.

مثلاً اگر قرار باشد درباره نخستین کتب چاپی صحبت کنیم با پرسش‌هایی از این دست روبه‌رو خواهیم بود: آیا صحبت از تاریخ ادبیات و آثار ادبی است و یا تاریخ همه انواع کتاب‌ها و یا تاریخ هر نوع نوشته‌ای شامل مطبوعات، اطلاعیه‌ها و جزوات؟ درباره آثار در کدام بازه جغرافیایی صحبت می‌کنیم؟ آثار به وجود آمده در محدوده جغرافیایی ایران کنونی؟ و یا ایران مثلاً در ابتدای دوره قاجار و یا صفوی؟ آیا محدوده صحبت ما حوزه رواج زبان فارسی و یا خاورمیانه و یا جهان اسلام است؟ ما در جست‌وجوی آثار کدام زبان‌ها در محدوده جغرافیایی تعریف شده هستیم؟ مثلاً آیا قرار است درباره همه آثار که در محدوده جغرافیایی ایران امروز به زبان‌های مختلف منتشر شده‌اند صحبت کنیم و یا بحث ما محدود به زبان فارسی است؟ آیا ما تنها آثاری به زبان فارسی

۴۰۱

آینه پژوهش | ۲۰۸

سال ۳۵ | شماره ۴

مهر و آبان ۱۴۰۳

را بررسی می‌کنیم که با همین خط مشهور به خط فارسی (برگرفته از الفبای عربی) نوشته شده باشند و یا آثاری که به زبان فارسی اما به خط راشی، سیریلیک و لاتین هم مکتوب شده‌اند، در حیطه بحث ما می‌گنجد؟ آیا حدود پژوهش ما آثاری است که تماماً به زبان فارسی منتشر شده‌اند و یا قرار است به آثاری که تنها بخشی از آن به فارسی است و مابقی صفحات آن به زبان‌های لاتین، انگلیسی، فرانسوی، عربی، ترکی، اردو و ... هم نوشته شده‌اند بپردازیم؟ حدود و ملاک ما در زمینه نحوه عرضه و انتشار اثر چیست؟ آیا ما به نسخ دست‌نویس و خطی هم که در بازه تاریخی و جغرافیایی مورد نظر ما نوشته شده‌اند، توجه خواهیم داشت و یا صرفاً موضوع پژوهش ما محدود به آثار چاپی است؟ نوشته‌های مندرج بر کتیبه‌ها، قبور، سنگ‌نشته‌ها، دیوان‌نشته‌ها و سکه‌ها هم برای ما مهم است و یا تنها به نوشته‌های روی کاغذ خواهیم پرداخت؟ اگر قرار است تنها به آثار چاپی بپردازیم آیا تکنیک چاپ هم برای ما مهم است و مثلاً قرار است فقط درباره آثاری که با حروف چوبی و یا با مهر دستی چاپ شده‌اند سخن بگوییم و یا اینکه هر اثری که به روشی غیر از تک نسخه‌های دست‌نویس پدید آمده باشند برای ما ارزش یکسانی دارند؟ ...

توجه و دقت به نکات ریزی از این قبیل است که سبب می‌شود پژوهشی از میان ده‌ها کتاب و مقاله نوشته شده درباره تاریخ کتاب و یا تاریخ چاپ، تمایز و برتری ویژه‌ای بیابد و به عنوان منبعی معتبر پذیرفته و ماندگار شود.

حدود مفروض

کتاب حاضر حاصل پژوهشی مفصل و پردامنه درباره بخشی از تاریخ چاپ در ایران است. پژوهشگر به خوبی حدود و مرزهای مختلف جست‌وجوی خویش را مشخص کرده است:

- محدوده جغرافیایی پژوهش، مرزهای امروزی ایران است.
- پژوهش تنها شامل آثار چاپی است و به دست‌نویس‌ها و سایر انواع کتابت نمی‌پردازد.
- پژوهش تنها به کتاب‌ها پرداخته است و شامل مطبوعات، اعلانات، جزوات و ... نیست.
- پژوهش به کتب غیر فارسی (همچون قرآن) هم پرداخته است.

- حدود تاریخی پژوهش از چاپ اولین کتاب به زبان فارسی در داخل ایران (۱۲۳۲ و یا ۱۲۳۳ قمری) در دوره فتحعلی شاه آغاز می‌شود و تا پایان دوره اول چاپ سربی در اواسط عصر ناصری ادامه می‌یابد.

- پژوهش تنها به آثاری می‌پردازد که با تکنیک چاپ سربی (حروف مقطع و از پیش آماده‌ای که کنار هم چیده می‌شوند) به چاپ رسیده باشند.

پژوهشگر پس از مقدمه‌ای کلی‌تر درباره تاریخ چاپ، در محدوده تعریف شده در بالا به بررسی و فهرست‌نگاری پرداخته است و توانسته فهرستی ارائه کند که نسبت به تلاش‌های پیشینیان اولاً جامع باشد و پژوهشگران را از مراجعه به منابع قبلی بی‌نیاز سازد، دوماً دقیق و تا حد ممکن صحیح و بی‌غلط باشد و سوم آنکه شامل اطلاعات و جزئیاتی فراتر از همه فهرس قبلی درباره کتاب‌ها باشد.

در این کتاب طی چهار فصل و هفت پیوست، اطلاعات مربوط به حدود مفروض برای این پژوهش با دقت و جامعیت تحسین‌برانگیزی یافته و تدوین شده است. فصل نخست یا همان مقدمه، مهم‌ترین فصل کتاب است. زیرا عملاً جمع‌بندی و درهم‌کرد همه اطلاعات منابع مختلف پیش از پژوهش حاضر در این حوزه است که با یافته‌های این پژوهش اصلاح و روزآمد شده‌اند. می‌توان گفت دقت و جزئیات پژوهش در کنار جامعیت آن در ضبط یافته‌های پیشینیان به میزانی است که می‌تواند پژوهندگان تاریخ چاپ در حدود تعریف شده در این کتاب را مستغنی سازد.

فصل «مشخصات ظاهری» برای علاقه‌مندان به هنر چاپ و گرافیک بسیار مغتنم است زیرا با جزئی‌نگری اطلاعات مربوط به نوع قلم، تصاویر، تزئینات، ته‌نقش، قطع، صفحه‌آرایی، رکابه، صفحه‌شمار، سرلوح‌ها و... استخراج و ارائه شده است و چنین اطلاعاتی برای هنرمندان و هنرپژوهان علاقه‌مند بسیار شیرین خواهد بود.

در بخش «کتاب‌شناسی مختصر» اطلاعات مربوط به ۶۴ عنوان کتاب شناسایی شده و تأیید شده در حدود این پژوهش، پشت سرهم قرار گرفته که مفید و راهگشاست.

در حدود مدعای پژوهش تنها نقصی که می‌توان بر آن وارد دانست، نادیده گرفتن کتب چاپی به زبان آسوری از دوره محمدشاه تا ادوار بعدی در اطراف ارومیه است. می‌دانیم

که جاستین پرکینز، میسیونر آمریکایی و همراهان و جانشینانش همچون دکتر کاکران، دکتر لابی و دیگران ده‌ها کتاب و همچنین یک نشریه با عمری طولانی و دوام زیاد به خط و زبان آشوری منتشر کرده‌اند و قاعدتاً باید این کتب هم به این فهرست راه می‌یافت. (درباره پرکینز، زندگی، خدمات، خاطرات و منشورات او نگاه کنید به کاشفی خوانساری، حواری سرزمین پارس)

پژوهشگر در این فهرست، نگاهی ایرانی داشته و حرفی از آثار فارسی منتشر شده در اروپا و سپس در هند به میان نیاورده است. وی همان‌گونه که عنوان کتاب اقتضا می‌کند، آثار ایرانی به زبان عربی را هم مدنظر قرار داده است. پس جای سؤال است که چرا حرفی از کتب آشوری که در دوره محمدشاه و پس از آن در اطراف ارومیه چاپ شده، به میان نیاورده است. آن آثار، هم کتاب بوده‌اند، هم چاپی، هم ایرانی، هم قاجاری و هم چاپ سربی و دلیلی برای نادیده گرفتن آنها در این پژوهش به ذهن نمی‌رسد.

حدود ممکن

دیدیم که پژوهش در چارچوب حدود مفروضی که برای خود تعریف کرده است تا حد قابل تقدیری کم نقص ارزیابی می‌شود. اما اگر بپرسیم که چگونه چنین پژوهشی می‌توانست کامل‌تر و جامع‌تر باشد و یا اینکه جا داشت به چه پرسش‌های دیگری هم در کنار پرسش‌های فعلی پاسخ دهد و یا چه خصوصیات دیگری هم داشته باشد، پاسخ کمی متفاوت خواهد بود.

حقیقت این است که این پژوهش از منظر یک هنرمند و یک نفر «فنی» و متخصص فن و تکنیک و اجرا و یک مورخ فنون و صنعت صورت گرفته است تا از مدخل و زاویه دید یک کتاب پژوه و پژوهشگر تحولات در عرصه اندیشه، ادبیات و فرهنگ. به بیان روشن‌تر دغدغه و توجه پژوهشگر عمدتاً معطوف به صنعت و هنر چاپ است و نه دنیای نشر و تاریخ کتب و نویسندگان و محتوای کتاب‌ها.

این نکته که در فهرست‌نگاری کتب چاپ سربی، پژوهشگر کتب عربی را نیز در کنار کتب فارسی فهرست می‌کند، به دلیل نگاه فنی و هنرمندانه اوست. چراکه خط و قلم عربی به قلم فارسی مشابه و دشواری‌های چاپ سربی به دلیل حروف متصل در اول و

وسط و انتهای کلمات در دو زبان فارسی و عربی یکسان است اما چنین تشابهی میان خطوط فارسی و ارمنی یا آشوری و یا صفحات انگلیسی و فرانسوی روزنامه‌های دوره ناصری وجود ندارد. حال آنکه مثلاً از منظر یک زبان‌شناس مسئله کاملاً متفاوت است؛ زیرا زبان‌های فارسی، ارمنی، فرانسوی و انگلیسی با هم هم‌خانواده هستند و از نظر تاریخ و ریشه‌ها در مقایسه با زبان عربی به یکدیگر نزدیک‌ترند.

همچنین از آنجا که توجه پژوهشگر به عنوان یک هنرمند و پژوهشگر صنعت چاپ معطوف به نوع خاصی از تکنیک چاپ بوده، هیچ اشاره‌ای به سایر کتب منتشرشده به زبان فارسی (کتب چاپ سنگی) ندارد. برای یک علاقه‌مند تاریخ کتاب و فرهنگ صنعت نشر این پرسش که چه کتاب‌هایی در دوره فتحعلی شاه در ایران چاپ شد یا این کتاب‌ها چه موضوعاتی داشتند، نویسندگان این آثار که بودند و چه سرنوشتی داشتند، سهم ده رده دیوبی در نخستینه کتب چاپی فارسی چه بوده، اولین کتاب‌های ترجمه، اولین داستان‌های تألیفی، اولین دیوان‌های شعر کدام بوده‌اند، اولین مترجمان و اولین ویراستاران چه کسانی بوده‌اند، تیراژ متوسط کتاب‌ها چقدر بوده و بالاترین تیراژ مربوط به کدام کتاب است، کدام کتاب بیشترین تجدید چاپ را داشته و ... و ... مهمتر و جذاب‌تر از تکنیک چاپ این کتب بوده است.

در مقابل این پرسش‌های بنیادین برای پژوهندگان تاریخ کتاب، موضوع و مقطعی همچون توقف موقت در رواج یک نوع از چاپ در حالی که انتشار کتب با روش دیگری با قوت ادامه دارد، چندان اساسی و تعیین‌کننده و نقطه عطف اثرگذاری در سیر محتوای نشر نیست.

اگر رویکرد کتاب بیش از تمرکز بر صنعت چاپ بر صنعت نشر معطوف بود، آنگاه برای ارائه تصویری تعیین‌کننده در روند نشر در ایران و براساس نیاز مخاطبان گفته می‌شد که مثلاً در دوره فتحعلی شاه قاجار حدود بیست و چند عنوان کتاب در سی و چند نوبت در ایران به چاپ رسیده‌اند و دو عنوان آن عربی و مابقی فارسی بوده‌اند و عمده آنان با چاپ سربی منتشر شده‌اند و در یک سال و نیم آخر عمر این پادشاه چاپ سنگی نیز در ایران آغاز شده است. در دوره فتحعلی شاه انتشار کتاب مصور و انتشار کتاب به خط و زبانی غیر از دو زبان فارسی و عربی در داخل خاک ایران روی نداده است و بعد

اطلاعات این کتاب‌ها شرح و تفصیل داده می‌شود. در فصول بعدی آن کتاب فرضی هم گفته می‌شد که در دوره پادشاه بعدی یعنی محمد شاه، چاپ کتاب مصور، چاپ کتاب به زبان آشوری و چاپ نشریه به زبان فارسی در ایران آغاز می‌شود و چاپ نشریه به زبان آشوری، چاپ دوباره کتاب به زبان ارمنی و چاپ صفحانی به زبان‌های عربی، فرانسوی و انگلیسی در نشریات ایران به دوره پادشاه بعد یعنی ناصرالدین شاه موکول می‌شود که جزئیات آن چنین و چنان بوده است.

حدود مقبول

نکته قابل بحث دیگر درباره قابل قبول بودن و معنادار بودن مرزهای زمانی این پژوهش است. حد تاریخی تعریف شده برای این پژوهش دوره اول چاپ سربی در ایران است که امروزه دیگر این تلقی و مرزبندی چندان معتبر و مقبول نیست. پیشتر گمان می‌رفت که در فاصله سال‌های ۱۲۶۹ تا ۱۲۹۱ ق چاپ سربی به مدت ۲۲ سال در ایران منسوخ و متروک بوده است و بر این اساس از دوره اول و دوم رواج چاپ سربی در ایران سخن می‌رفت. بعدها چند کتاب سربی دیگر تا سال ۱۲۷۳ یافته شد و حال این پژوهشگر نیز کتابی به سال ۱۲۷۵ ق یافته و آن دوره را به ۱۶ سال کاسته است. از آن سو شک نداریم که از سال ۱۲۵۶ ق تا اواخر دوره قاجار چاپ سربی به زبان آشوری به طور گسترده و پیوسته در قالب کتاب و مطبوعات در ایران رواج داشته است. همچنین می‌دانیم که در همان دهه ۱۲۷۰ ق که انتشار کتاب فارسی با چاپ سربی در ایران دچار افول شد، نشر کتب ارمنی با چاپ سربی مجدداً در داخل ایران آغاز شده است. همچنین احتمال قوی وجود دارد که در همان سال‌های کوتاه مشهور به فترت چاپ سربی در ایران، نشر کتب، جزوات و یا اعلان‌هایی به زبان فارسی (و حتی ترکی، عربی و انگلیسی) توسط کشیشان آمریکایی در اطراف ارومیه رخ داده باشد. مورخانی چون حمید مولانا و سیدفرید قاسمی با قطعیت از چاپ سربی تقویم منجم‌باشی ارومی در سال ۱۲۵۷ ق در چاپخانه ایشان سخن گفته‌اند. در نشریه کاوه در سال ۱۳۳۹ ق از «مطبعه سربی عربی و سریانی و انگلیسی» ایشان سخن رفته است (به نقل از قاسمی، ج ۲، ص ۱۱۴۸). هانیبال گورگیز مورخ آشوری با قاطعیت از چاپ آگهی‌های دولتی به زبان فارسی در شماره‌های مختلف زهریرا دی باهرا نشریه آسوریان ارومیه خبر داده است. پس اولاً بی‌شک وقفه‌ای

در رواج چاپ سربی در ایران وجود نداشته است و ثانیاً عدم توقف چاپ سربی به زبان فارسی هم محتمل است و به هر حال دلیل محکمی برای انتخاب حدود زمانی این پژوهش و باور به سالی به عنوان سال پایان موقت رواج چاپ سربی در ایران نمی‌یابیم. از آن سو مگر زمانی که گمان می‌کردیم بین کتاب اول و کتاب دوم چاپ سربی در ایران هفت سال فاصله بوده (بابازاده، ص ۸۳)، آن سال را مبدا مقطعی در تاریخ چاپ در ایران فرض کرده و به دوران فترت اول و دوم مسمی کرده بودیم؟ و یا الان که بر اساس اطلاعات موجود کتابی بین سال‌های ۱۳۳۴ق و ۱۳۳۷ق و یا میان سال‌های ۱۲۴۹ق و ۱۲۵۲ق سراغ نداریم، آن سال‌ها را دوره اول و دوم و سوم چاپ سربی نامیده‌ایم؟

برای همین است که می‌گوییم بر اساس دانش امروز ما، دیگر پافشاری بر مقطعی به نام دوره اول چاپ سربی در ایران معتبر و مفید و مقبول نخواهد بود.

کتابنامه

در این نوشته از اطلاعات این کتاب‌ها و مقالات بهره برده شده است:

کتب

تاریخ چاپ در ایران، شهلا بابازاده، کتابخانه طهوری، ۱۳۷۸.
سرگذشت مطبوعات ایران (در دوره محمدشاه و ناصرالدین شاه قاجار)، سیدفرید قاسمی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
بیست مقاله (در باب تاریخ چاپ سنگی در ایران)، اولریش مارزلف، به اهتمام محمدجواد احمدی نیا، انتشارات عطف، ۱۳۹۴.
از باب قرائت اطفال (کودکان در مطبوعات پیش از مشروطه در ایران)، سیدعلی کاشفی خوانساری، انتشارات قدیانی، ۱۳۸۲.

مقالات

زاهریادی باهرا؛ روزنامه آشوری‌های ایران و جهان، هانیبال گورگیز، پژوهشنامه تاریخ مطبوعات ایران، ش ۱، ۱۳۷۶.
نخستین کتاب‌های فارسی چگونه در ایران چاپ شدند، سیدعلی کاشفی خوانساری، خبرگزاری تسنیم، ۳۰ فروردین ۱۳۹۹.
حواری سرزمین پارس؛ معرفی کتابی ارزشمند درباره تاریخ آموزش و ادبیات کودک در ایران؛ کاشفی خوانساری، سیدسجاد و کاشفی خوانساری، سیدعلی؛ فصلنامه نقد کتاب کودک و نوجوان، شماره ۱۹ و ۲۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۷.
زاهریادی باهرا (معرفی نشریات آموزشی/۱)، سیدعلی کاشفی خوانساری، رشد معلم، دی ۱۳۸۰.